

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال هشتم، شماره‌ی سی‌ودوم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۵۹-۱۳۱

بررسی اوضاع اجتماعی و فرهنگی اسپهبدان دابویی و ولات عباسی؛ با تکیه بر سکه‌ها

جواد نیستانی^۱، مجید حاجی تبار^۲

چکیده

مسکوکات اسپهبدان دابویی و ولات عباسی عاملی مؤثر در شناخت اوضاع فرهنگی و اجتماعی تبرستان در سده‌های اول و دوم هجری است. با سقوط ساسانیان در سال ۶۵۱ میلادی، تبرستان تحت نظر دابویه (حک. ۶۸۱-۷۱۱ م.) به استقلال رسید. پس از دابویه، فرزندش فرخان (۷۱۲-۷۳۱ م.) و نوادگانش دات برزمهر (۷۳۱-۷۴۱ م.) و خورشید (۷۴۱-۷۶۲ م.) در این خطه سکه زدند، سکه‌هایی که جز در وزن و ابعاد (نصف وزن سکه‌های ساسانی را داشتند) و شیوه‌ی تاریخ‌گذاری (بر مبنای سالروز مرگ یزدگرد سوم بودند) سبک ساسانی داشتند و اوضاع فرهنگی و اجتماعی تبرستان را بازتاب می‌دادند. با تصرف تبرستان توسط منصور عباسی در سال ۱۴۴ هجری، ولات عباسی اسلوب پیشین را حفظ کردند. این بررسی سعی دارد به این پرسش پاسخ گوید که اهمیت نگاره‌ها و کتیبه‌های مسکوکات در شناخت اوضاع اجتماعی و فرهنگی تبرستان در چیست؟ برآیند این پژوهش که با رویکرد مطالعات سکه‌شناختی و با بررسی عینی مسکوکات موزه‌های بانک سپه، سمنان، آستان قدس، بابل، ملک و ملی ایران و مطالعه تطبیقی کتابخانه‌ای به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است، نشان می‌دهد کتیبه‌ها با مضامین نیایشی و طلب خیر و پیام آئینی حاکمیت نیکی بر شر، استفاده تعدی از خط پهلوی به نشانه پیوستگی با آئین زرتشت، نقوش و علائم نمادین به پیروی از سنت‌های ساسانیان و باورهای زرتشتی - چون هلال ماه برای آناهیتا، ستاره برای تیشتر، آتش برای نور و آهورامزدا - انعکاسی از شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه تبرستان بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: اسپهبدان دابویی، ولات عباسی، تبرستان، سکه، حیات فرهنگی

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

(jneyestani@modares.ac.ir)

۲. دانش‌آموخته دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، واحد علوم و تحقیقات.

(hajitabarm@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲۸ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۹/۱۸

مقدمه

با شکست ساسانیان از مسلمانان، سرزمین تبرستان از بقیه ایران جدا افتاد و سلسله‌ای مستقل در آن بنیاد گرفت که به نام بنیان‌گذار آن دابویه به اسپهبدان دابویی شهرت یافته است. فرخان، پسر بزرگ دابویه، با تثبیت و گسترش حکمرانی، اقدام به ضرب سکه کرد. سکه‌های فرخان و فرزند و نواده‌اش دات برز مهر و خورشید، با وجود شباهت زیاد به مسکوکات ساسانی، از نظر وزن و اندازه و مضامین کتیبه و شیوه تاریخ‌گذاری با آنها تفاوت دارد. وزن، جنس، نوشتار، علائم و نقوش منقور بر سکه‌ها نمایشی از شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عصر خویش است. با شکست خورشید در برابر سپاهیان منصور عباسی (حک. ۱۳۶-۱۵۸ ق.) به سال ۱۴۴ هجری این سرزمین به تصرف خلفای عباسی درآمد. پس از آن امیرانی از سوی خلفا برای حکومت تبرستان برگزیده شدند که غالب آنها مدت کوتاهی نیابت حکومت را در اختیار داشتند. نمایندگان خلفا اصول ضرب سکه را تغییر ندادند و ادامه‌دهنده‌ی اسلوب و تراز پیشین شدند. در این دوره تنها تفاوت شاخص استفاده از خط کوفی است. نام ولات عباسی به خط کوفی بر سکه‌ها آمده و در موارد استثنائی سورشارژ بیخ و ع^۱ استفاده شده است.

در این پژوهش ضمن بیان مختصری از پیشینه جغرافیای تاریخی و شکل‌گیری حکومت اسپهبدان و ولات عباسی تبرستان، نظام پولی و شرایط فرهنگی و سیاسی آن دوره بررسی شده است. مطالعه سکه‌ها شناختی نسبی از شرایط اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی تبرستان به دست می‌دهد که با توجه به کمبود منابع ملموس بسیار ارزشمند است. سکه‌ها در بازخوانی تاریخ سیاسی سودمندند و حقایقی را بیان می‌کنند که در منابع دیگر نمی‌توان یافت. نام برخی از ولات عباسی تنها از طریق سکه بازشناسی شده و تا قبل از کشف سکه‌ها در صفحات تاریخ جایی نداشتند. مدت زمان حکمرانی اسپهبدان دابویی و ولات عباسی تنها از طریق سکه به صورت قطعی تعیین می‌شود و اشتباهات منابع تاریخی را اصلاح می‌کند. نگاره و نوشتار زبانی از باور مردم تبرستان در دو سده نخست هجری

1. Jamshedji Maneckji Unvala, (1938), *Coins of Tabaristan and Some Sasanian Coins from Susa*, Paris: G. P. Maisonneure, p. 11.

| بررسی اوضاع اجتماعی و فرهنگی اسپهبدان دابویی و ولات عباسی؛ با تکیه بر سکه‌ها | ۱۳۳

حکایت دارد، و معیار وزنی و جنس سکه‌ها بیان‌کننده شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه تبرستان در آن دوره است.

سکه‌های تبرستان مبنای مطالعات بسیاری از محققان قرار گرفته‌اند. نخستین محقق جان استیکل^۱ آلمانی بود که در سال ۱۹۴۵ م. سکه‌ای از خورشید به تاریخ ۶۱ پی. (پس از یزدگرد) را معرفی کرد، هرچند ظاهراً در خوانش تاریخ ضرب دچار اشتباه شده بود. آنوالا بر اساس مجموعه شخصی به سال ۱۹۳۸ م.^۲ اولین گاهنگاری را ارائه کرد. جان واکر در ۱۹۴۱ م.^۳ با مطالعه سکه‌های اسلامی موزه بریتانیا کاتالوگی منتشر کرد که بخشی از آن معرفی سکه‌های تبرستان بود. جامع‌ترین تحقیق را حاج مهدی ملک^۴ در سال ۲۰۰۴ با مطالعه مجموعه موزه بریتانیا و دیگر کشورهای اروپا گرد آورده است. اعظمی سنگسری^۵ و حسن پاکزادبان^۶ از محققان ایرانی با تألیف کتاب و مقاله به این موضوع پرداخته‌اند. مبنای تحقیق‌های پیشین اوضاع سیاسی و اقتصادی بوده است، ولی پژوهش حاضر با رویکردی سکه‌شناختی به بررسی شرایط اجتماعی می‌پردازد.

این پژوهش در پی تحلیل اوضاع اجتماعی و فرهنگی دو سده نخستین هجری و دوره انتقال از ساسانیان به اسلام با استفاده از منابع سکه‌شناختی است. برای درک حقیقت نگاره‌ها، نوشتارها، کیفیت جنس، وزن و عیار و کسب نتایج مورد نظر سکه‌ها به شیوه عینی و ملموس و کتابخانه‌ای مطالعه و بررسی شده‌اند و با قیاس منابع کتابخانه و شواهد ملموس دستاوردهای نوینی به دست آمده است. مواد پژوهشی این تحقیق از سکه‌های موجود در موزه‌های بنیاد مستضعفان، بانک سپه، موزه سکه سمنان، آستان قدس، بابل، ملی

1. Johann Gustav Stickel, D., (1845), *Handbuch zur morgenländischen Münzkunde*, Leipzig : F. A. Brokhaus, p. 108.

2. *Coins of Tabaristan and Some Sasanian Coins from Susa*.

3. John Walker, (1941), *Catalogue of the Muhammadan Coins in the British Museum a Catalogue of the Arab-Sassanian Coin (Umayyad Governors in the East Arab-Ephthalites, Abbasid Governors in Tabaristan and Bukhara)*, London: the British Museum printed by order of the trustees.

4. Hodge Mehdi Malek, (2004), *The Dabuyid is Spahbad and Early Abbasid Governors of Tabaristan - History and Numismatics*, London: Royal Numismatic Society special publication, No. 39.

۵. چراغعلی اعظمی سنگسری، «سکه‌های تبرستان، گاوبارگان و حکام خلفاء»، بررسی‌های تاریخی،

۱۳۵۲، س. ۸، ش. ۱-۲.

۶. حسن پاکزادبان، (۱۳۸۷)، تاریخ و گاهشماری در سکه‌های تبرستان، تهران: ناشر مؤلف.

ملک، ملی ایران و مجموعه خراسانی گردآوری شده‌اند، سکه‌هایی که تا پیش از این مبنای مطالعه مستقل و نگاه تحلیلی قرار نگرفته بودند.

۱. جغرافیای تاریخی تبرستان

سرزمینی که امروز با نام مازندران آن را می‌شناسیم تا پیش از سده هفتم هجری تبرستان نام داشت. تبرستان نخستین بار در نوشته‌ای منسوب به تنسر موبد موبدان اردشیر (حک. ۲۲۴-۲۴۲ م.) آمده که در نامه‌ای به ماه جشنسلف او را شاه پدشخوارگر^۱ و تبرستان خوانده است.^۲ بر اساس منابع سکه‌شناسی، اشاعه نام تبرستان به روزگار خسرو انوشیروان (حک. ۵۳۱-۵۷۹ م.) برمی‌گردد.^۳ باریکه‌ای غنی در شمال ایران که گفته شده حد شرقی آن رباط آخر میان استرآباد و طمیس^۴ و حد غربی آن از دینار جاری تا به ملاطروستایی در ورای هوسم^۵ بوده که اکنون به رودسر اشتهاار دارد،^۶ سرزمینی آباد و با نعمت و بسیار

۱. پتسخوارگر سرزمین یا واحد مدنی مستقلی بوده که در جبهه جنوبی کوه البرز واقع و وسعت آن تا مرزهای گیلان و مازندران گسترش داشته است. قدیمی‌ترین مدرکی که از این ناحیه و سرزمین نام برده سندی از سال ۶۷۳ پ.م. و مربوط به آسارهادون (Esarhaddon) پادشاه آشوری است که در مورد حدود این ناحیه چنین توضیح می‌دهد: «اما سرزمین پتوش آری بر کران کویر نمک در خاک مادهای دوردست که کوه بیکنی (دماوند) در کنار آنها نهاده است، کوه سنگ لاجورد که هیچ یک از نیاکان من با در خاک آن نگذاشته بودند» (جرج کامرون، ۱۳۷۴)، *ایران در سینه‌دم تاریخ*، ترجمه حسن انوشه، تهران، علمی و فرهنگی، ص. ۱۳۲). شاه آشور در یک سلسله عملیات جنگی به سرزمین پتوش آری (Patush arri) یا پاتشوعارا، که جزئی از کشور مادهای دوردست بود، رسید (ایگور میخائیلوویچ دیاکونوف، ۱۳۷۷)، *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، علمی و فرهنگی، ص. ۲۴۳).

۲. مجتبی مینوی و محمد اسماعیل رضوانی، ۱۳۵۴)، *نامه تنسر به گشنسب*، تهران: خوارزمی، ص. ۴۹.

۳. ناصر نوروززاده چگینی، ۱۳۶۶)، «مازندران در دوره ساسانی ۲»، *مجله باستانشناسی و تاریخ*، س. ۱، ش. ۲، بهار و تابستان، ص. ۲۱.

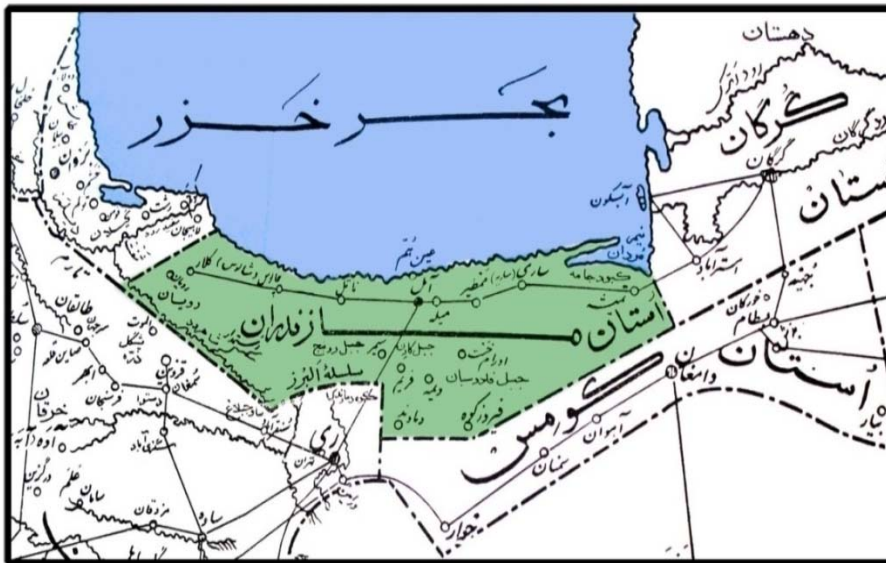
۴. ابن‌رسته، ۱۳۶۴)، *الاعلاق النفیسه*، ترجمه حسین قره چانلو، تهران: امیرکبیر، ص. ۱۷۶.

۵. بهاء‌الدین محمد بن حسن ابن اسفندیار کاتب، ۱۳۶۶)، *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: پدیده خاور، ص. ۵۷؛ ملا شیخعلی گیلانی، ۱۳۵۲)، *تاریخ مازندران*، تصحیح و تحشیه، دکتر منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص. ۲۹.

۶. *تاریخ مازندران*، ص. ۲۹.

| بررسی اوضاع اجتماعی و فرهنگی اسپهبدان دابویی و ولات عباسی؛ با تکیه بر سکه‌ها | ۱۳۵

خواسته^۱ که در قسمت هامونی کشاورزی^۲ و در مراتع مرتفع بخش کوهستانی دامداری رونق داشته^۳ و پوشیده از درختان بلند و بیشه‌زار بوده است^۴ (نقشه ۱). این جغرافیا و اقلیم عامل مهم بازدارنده نفوذ بیگانه و حفظ باورها و نمودهای فرهنگی تبرستان بوده است.



نقشه ۱. تبرستان در سده‌های اول و دوم هجری (نگارنده)

۲. پیشینه تاریخی اسپهبدان دابویی و ولات عباسی تبرستان دابویه، فرزند گیل گاوباره (۶۴۲-۶۸۱ م.) از نوادگان جاماسب (۴۹۷-۴۹۹ م.) ساسانی، پس از تسلط بر تبرستان و تثبیت اوضاع، سلسله‌ای مستقل بنیاد نهاد که به اسپهبدان دابویی شهره است. با مرگ دابویه، که اطلاع زیادی از او در دست نیست، فرزندش فرخان

۱. گمنام، (۱۳۷۶)، *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری، ص. ۱۴۴.

۲. ابو اسحق ابراهیم استخری، (۱۳۶۸)، *مسالك و ممالک*، به اهتمام ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی، ص. ۱۶۸.

۳. واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد، (۱۳۷۲)، *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه حمزه دادور، تهران: توس، ص. ۲۳۳.

۴. ابوالقاسم ابن حوقل، (۱۳۴۵)، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص. ۱۱۹.

حکمران تبرستان شد. وی نیشابور را تصرف و شهرهای زیادی را احداث کرد.^۱ در دوره فرمانروایی او مصقله بن هبیره با سپاهی بسیار برای فتح تبرستان آمد که همگی هلاک شدند.^۲ یزید بن مهلب در نبردی گرفتار و با پرداخت ۳۰۰ هزار درهم به تمیسه برگشت.^۳ فرخان دو سال بعد از این واقعه درگذشت و مدت حکومت وی ۱۷ سال قید شده است.^۴ با مرگ فرخان، پسرش دات برز مهر به تخت سلطنت نشست. در زمان وی پایه خلافت امویان متزلزل بود و کسی اندیشه تصرف یا دست‌اندازی به تبرستان را در سر نداشت. وی معاصر هشام بن مروان (حک. ۱۰۵-۱۲۵ ق.)^۵ بود و حکمرانی‌اش دوازده سال به طول انجامید.^۶ پس از او، فرخان کوچک (حک. ۷۴۰-۷۴۸ م.) یا سارویه^۷ نیابت حکومت برادرزاده خود خورشید را بر عهده گرفت، و پس از آن خورشید به حکمرانی رسید. خورشید تا مرگ ابومسلم (۱۳۶ ق.) با عرب‌ها برخوردی نداشت.^۸ منصور عباسی با هجوم به خورشید بعد از نبردی طولانی تبرستان را گشود. اسپهبد خورشید به سرزمین دیلم رفت و در آنجا درگذشت.^۹ مرگ خورشید به سال ۷۶۱ م. برابر ۱۴۴ ق. و ۱۳۰ پی. و ۱۰۹ تبرستانی اتفاق افتاد.^{۱۰}

با مرگ خورشید ولات عباسی به تبرستان آمدند و نخستین وظیفه آنها حفظ حاکمیت

۱. تاریخ طبرستان، ص. ۱۵۷.

۲. احمد بن یحیی بن جابر بلاذری، (۱۳۶۷)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نقره، ص. ۴۶۹.

۳. تاریخ طبرستان، ص. ۱۶۲.

۴. همان، ص. ۱۶۵.

۵. سکه‌های تبرستان، گاو بارگان و حکام خلفاء، ص. ۱۷۳.

۶. تاریخ طبرستان، ص. ۱۶۵.

۷. میر ظهیرالدین بن نصیرالدین مرعشی، (۱۳۴۵)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، با مقدمه

محمدجواد مشکور، به کوشش محمدحسین تسبیحی، تهران: مؤسسه مطبوعات شرقی، ص. ۱۲.

۸. عبدالحسین زرین کوب، (۱۳۷۳)، تاریخ مردم ایران از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه، تهران: امیرکبیر،

ص. ۳۶۶.

۹. محمد جریر طبری، (۱۳۶۳)، تاریخ الرسل و الملوک، ج. ۳، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر،

صص. ۴۷۳۲-۴۷۳۳.

۱۰. چراغعلی اعظمی سنگسری، (۲۵۳۵)، «فرمانروایان طبرستان»، بررسی‌های تاریخی، ش. ۷۹، ص. ۸۱.

| بررسی اوضاع اجتماعی و فرهنگی اسپهبدان دابویی و ولات عباسی؛ با تکیه بر سکه‌ها | ۱۳۷

مسلمانان بر مناطق متصرفه بود.^۱ آنوالا، بر مبنای مجموعه سکه‌ها و مستندات تاریخی، امیران این دوره را ۱۸ تن و مدت فرمانروایی آنها را ۳۵ سال یاد کرده است.^۲ برخی از ولات فاقد سکه و چند امیر تنها با سکه به صفحات تاریخ آمدند.

۳. سکه‌های اسپهبدان دابویی

غالب سکه‌های اسپهبدان دابویی از جنس نقره بوده و نمونه‌های معدودی از جنس برنز نیز در دست است. از مس سکه‌ای در دست نیست^۳ و نمونه طلای موجود در موزه فردریک برلین تقلبی است.^۴ درهم‌های معروف به طبری چهار دانگ یعنی ده قیراط وزن دارند.^۵ با این وصف و مقایسه اوزان ثبت‌شده در منابع سکه‌شناسی به نظر میانگین وزن سکه‌ها بین ۲/۱۰ تا ۲/۲۰ گرم متغیر بوده است.

سکه‌ها بر مبنای یازده ژوئن ۶۵۲ میلادی برابر با ۳۱ هجری و روز مرگ یزدگرد سوم

۱. مادلونگ، و. (۱۳۸۱)، *سلسله‌های کوچک شمال ایران، ولایات ساحلی دریای خزر، تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانی تا آمدن سلجوقیان*، ج. ۴، پژوهش دانشگاه کمبریج، گردآورنده ر. ن. فرای، مترجم حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ص. ۱۷۴.

2. *Coins of Tabaristan and Some Sasanian Coins from Susa*, p. 35.

۳. حسن رضائی باغبیدی، (۱۳۹۳)، *سکه‌های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان*، تهران: سمت، ص. ۲۱۳.

۴. علی‌اکبر سرفراز و فریدون آوزرمانی، (۱۳۷۹)، *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه*، تهران: سمت، ص. ۱۳۴.

۵. ناصر سید محمود نقشبندی، (بی‌تا)، *درهم اسلامی (جزء اول درهم‌های عرب - ساسانی)*، ترجمه امیر شاهد، تهران: فیروز، ص. ۶.

دانگ واحدی در وزن به مقدار یک‌ششم مثقال و معادل ده حبه جو به میزان ۶/۰ گرم است (ابوالحسن دیانت، (۱۳۶۷)، *فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، نقود و مسکوکات*، ج. ۱، تبریز: نیما، صص. ۱۹۱-۱۹۲). قیراط برابر با یک‌بیستم مثقال و ۵ تا ۳ حبه معادل یک چهاردهم وزن درهم یعنی ۲۲۳۳/۰ گرم است (والتر هینتس، (۱۳۶۸)، *اوزان و مقیاس‌ها در اسلام*، ترجمه غلامرضا وره‌رام، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص. ۴۲). مثقال معادل وزن نقره به میزان ۴/۳ گرم است که در ایران متداول بود (همان، ص. ۸). همچنین وزن متداول مثقال عربی معادل ۴/۲۶۴ گرم و با یک درهم هشت دانگی برابر است (محمدعلی امام شوشتری، (۱۳۳۹)، *تاریخ مقیاس‌ها و نقود در حکومت اسلامی*، تهران: چاپخانه دانشسرای عالی).

تاریخ‌گذاری شده‌اند^۱ که به تاریخ تبری^۲ و پس از مرگ یزدگردی^۳ معروف است. عقیده دیگر درباره مبدأ تاریخ‌گذاری تقویم خراجی است، که مبنای آن سال ۶۱۱ میلادی یعنی سال بیست‌ویکم حکمرانی خسرو دوم (۵۹۰-۶۲۸ م.) است که برای گردآوری مالیات به وجود آمده بود.^۴ رضایی باغبیدی معتقد است چنین تاریخی بر سکه‌های تبرستان وجود ندارد.^۵

فرخان، دات برزمهر و خورشید در طول ۵۵ سال به تراز ساسانی در تبرستان سکه زدند. استیکل سکه‌ای به تاریخ ۶۱ پس از یزدگردی (۷۱۳ م.) با نام خورشید معرفی کرده^۶ که حروف پهلوی را اشتباه خوانده و صحیح آن صدوده^۷ است. منابع سکه‌شناسی دات برزمهر نشان می‌دهد وی از سال ۷۹ تا ۸۸ پی. حکمرانی کرده، ولی از سال‌های ۸۰ تا ۸۵ پی. (۷۳۲-۷۳۷ م.) یا سکه‌ای در دست نیست یا بسیار نایاب است. قدیمی‌ترین سکه دات برزمهر در تاریخ ۷۹ پی. (۷۳۱ م.) ضرب شده است.^۸

خورشید از سال ۸۹ پی. بلافاصله بعد از مرگ دات برزمهر تا ۱۱۵ پی. (۷۴۱-۷۶۷ م.) یعنی پنج سال پس از مرگش سکه دارد.^۹ سکه‌های سال ۱۱۰ پی. (۷۶۲ م.) تحت نظر خودش ضرب شده و سکه‌های ۱۱۱ تا ۱۱۲ و ۱۱۴ تا ۱۱۵ پی. (۷۶۲-۷۶۴ و ۷۶۶-۷۶۷ م.) شبیه سبکی با نیم‌تنه پهن‌تر، پس از مرگ خورشید ضرب شده است.^{۱۰}

نیمرخ راست پادشاه با ریش بلند به تقلید از سکه‌های اواخر سلطنت خسرو دوم با

1. *Catalogue of the Muhammadan Coins in the British Museum a Catalogue of the Arab-Sassanian Coin (Umayyad Governors in the East Arab-Ephthalites, Abbasid Governors in Tabaristan and Bukhara)*, p. ixx.

2. *Coins of Tabaristan and Some Sasanian Coins from Susa*, p. 7.

3. *The Dabuyid is Spahbad and Early Abbasid Governors of Tabaristan - History and Numismatics*, p. 52.

۴. تاریخ و گاهشماری در سکه‌های تبرستان، ص. ۱۷.

۵. سکه‌های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، صص. ۲۱۱-۲۱۲.

6. *Morgan Landischenmunzkunde*, p. 108.

۷. منوچهر ستوده، (۱۳۷۴)، *از آستارا تا استرآباد، آثار و بناهای مازندران غربی*، ج. ۳، تهران: انجمن آثار

و مفاخر فرهنگی، ص. ۱۸.

8. *Coins of Tabaristan and Some Sasanian Coins from Susa*, p. 8.

۹. عبدالله عقیلی، (۱۳۷۷)، *دارالضربهای ایران در دوره اسلامی*، تهران: بنیاد محمود افشار، ص. ۲۵۶.

10. *The Dabuyid is Spahbad and Early Abbasid Governors of Tabaristan - History and Numismatics*, p. 48.

ظاهری زیباتر و شکل‌تر و خط و چهره شاخص‌تر ترسیم شده است.^۱ تاج با دو یا سه نوار افقی و دو بال گشوده بر تارک آن و هلال ماه و ستاره بین بال‌ها به تصویر کشیده شده است. پشت سر و چسبیده به تاج ستاره با سه نقطه عمودی رسم شده است. بر سکه‌های فرخان و دیگر اسپهبدان هلال ماه بالای شانه راست و روبه‌روی دهان نقش شده و به ندرت حذف شده است. گردن‌بند و گوشواره سه قطعه‌ای از مروارید و ردای مرواریددوزی شده به پیروی از سنت ساسانیان و نماد مقام والا و اقتدار فرد است.

اینها انگاره‌هایی پرتکرار هستند که آگاهانه و به منظور انتقال پیام‌های مشخص بر سکه جانمایی شده‌اند. هلال ماه و ستاره و بال‌های گشوده ریشه در باورهای مذهبی و اساطیری کهن ایرانی داشته است. این نقوش با معانی نمادین ریشه در عقاید عصر ساسانی دارند^۲ و سپاس و حق‌گزاری نسبت به نعماتی چون آسمان روشن، زمین نیک، آتش درخشان و گیاه سبز بودند که اورمزد بخشیده و برای ادامه زندگی ضروری هستند و باید برای آن تکریم قائل شد.^۳ بال‌ها با جفتی از پرهای آراسته نمادی از خدای وَرَثَرَعْنَه است^۴ و برای آن که پادشاهان خود را نیرومند و همیشه پیروز معرفی کنند نقش شده است.^۵ از ده هیبت ورثرغن (تندباد، گاو نر با شاخ زرین، اسب سفید با سازوبرگ، شتر بارکش و گراز تیزدندان، جوان با سن آرمانی، قوچ دشتی، بز نر جنگی و مرد شمشیر به دست) پرنده تیزپرواز یکی از آنها و نمادی از نیرومندی است،^۶ پرنده‌ای بزرگ که برای ایرانیان با حس ترس آمیخته با خرافات همراه بوده و حافظ انسان و نماد نیک‌بختی و فره است.^۷ نقش مایه

۱. سکه‌های تبرستان، گاو بارگان و حکام خلفاء، ص. ۱۸۷.

۲. ابوالقاسم دادور و لیلا مکوندی، (۱۳۹۱)، «بررسی طرح تاج شاهان در سکه‌های ایران از دوره هخامنشی تا ساسانی»، هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، ش. ۵۰، تابستان ۱۳۹۱، ص. ۲۸.

۳. رحیم عقیقی (۱۳۷۴)، اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی، تهران: توس، ص. ۲۶۸.

4. *The Dabuyid is Spahbad and Early Abbasid Governors of Taberistan - History and Numismatics*, p. 99.

۵. بررسی طرح تاج شاهان در سکه‌های ایران از دوره هخامنشی تا ساسانی، ص. ۲۹.

۶. ژاله آموزگار، (۱۳۷۶)، تاریخ اساطیر ایران، تهران: سمت، ص. ۲۵.

۷. جان هینلز، (۱۳۷۳)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه؛ بابل: آویشن، ص. ۴۲.

هلال ماه مظهر ایزدبانوی محبوب دین زرتشت آناهیتا است، که نماد باروری بوده و پیوند ناگسستنی با الهه زیبایی دارد^۱ و الهه ایرانی آبها در آسمان موقعیتی قمری دارد.^۲ ماه نمادی از تجدید حیات پس از مرگ و هستی نو است و در سنت و روایت ایرانی جانهای مردگان پس از گذر از پل چینوات به سوی ستارگان می‌شتابد و اگر پرهیزگار باشد نخست به ماه و سپس به خورشید می‌رسد و پرهیزگارترین‌شان در گروتمان به روشنایی و فروغ بیکران اهورامزدا می‌پیوندد.^۳ تیشتر که به صورت ستاره نمایش داده شده آورنده‌ی باران و نیروی نیکوکاری در نبردی کیهانی با آپوشه یا آپوش دیو خشکسالی و تباه‌کننده زندگی درگیر می‌شود.^۴ علائم نمادین به ظاهر ساده از عناصر طبیعت (ماه، ستاره، سه نقطه و بال‌های گشوده) مفاهیم و معانی عمیق و برجسته‌ای از باورهای چون الوهیت و یکتایی پروردگار، معاد و حیات پس از مرگ، مراقبت از اعمال و رفتار دنیایی برای روز بازپسین را در خود نهفته دارند. این انگاره‌ها نشان از پای‌بندی و ایمان راسخ مردم به اصول اعتقادی و سنت‌های پیشین است.

نام شاهان اسپهبدی با خط پهلوی به رشته تحریر درآمده و مطابق معمول حرف‌نویسی دوره ساسانی از راست به چپ نگاشته شده و حروف چسبیده به هم و حالت شکسته دارد. در برخی موارد حرف اول نام شاه به صورت جداگانه نوشته شده و در مواردی نیز به حرف بعد چسبیده است. قسمت بالا و پائین اسم پادشاه، غالباً هلال ماه و ستاره نقش شده است. نام فرخان به دو شکل 𐎱𐎠𐎼𐎿 (P,RHwn) با نون منفرد و بدون الف آخر و 𐎱𐎠𐎼𐎿𐎡 (PRHNAN) با الف و نون چسبیده آخر نوشته شده است (تصویر ۱). اعظمی سنگسری سکه‌های فرخان با نوشته 𐎱𐎠𐎼𐎿𐎡 (PRHNAN-) را به فرخان کوچک نسبت می‌دهد^۵ که اشتباه است، چرا که تاریخ حکمرانی با هم مطابقت ندارد. سکه‌های فرخان با نوشتار یادشده مربوط به سال‌های ۷۰ تا ۷۹ پی. است، در حالی که

۱. بررسی طرح تاج شاهان در سکه‌های ایران از دوره هخامنشی تا ساسانی، ص. ۲۹.

۲. میرچا الیاده، (۱۳۷۶)، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش، ص. ۱۶۵.

۳. همان، ص. ۱۷۵.

۴. شناخت اساطیر ایران، ص. ۳۷.

۵. سکه‌های تبرستان، گاوبارگانو حکام خلفاء، ص. ۱۷۴.

| بررسی اوضاع اجتماعی و فرهنگی اسپهبدان دابویی و ولات عباسی؛ با تکیه بر سکه‌ها | ۱۴۱

فرخان کوچک پس از دات برز مهر یعنی سال ۸۹ پی. حکمران بوده است. تلفظ متفاوت اسامی پادشاهان ضرورتاً اشاره به تغییر حاکمیت نیست.^۱



۱. طرح سکه فرخان (نگارنده) ۲. موزه سمنان، Ea2 ۳. موزه بانک سپه، ۱۱۲۵۴

تصویر ۱. طرح و تصویر سکه‌های فرخان

نام دات برز مهر **د س ر ن ک ه ط** (DAT-BWRC-MTN) و خورشید **س ل س س** (HWRSYTW) به یک ریخت بر سکه‌ها آمده است (تصویر ۲ و ۳). بر پشت سر چهره پادشاه کلمات **س ر ک م ط** (Xvrrarah&Afzute) نوشته شده که «سلطنت فزون باد»^۲ «فر افزود»^۳ و «آرمان افزوت»^۴ و «پادشاهی یا دولتش مبارک باد» و یا «مملکتش وسیع تر باد»^۵ معنا شده است. این تعابیر تفکر مذهبی حاکم و اندیشه

1. *The Dabuyid is Spahbad and Early Abbasid Governors of Taberistan - History and Numismatics*, p. 47.

2. *Coins of Tabaristan and Some Sasanian Coins from Susa*, p. 9.

۳. سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه، ص. ۱۲۶.

۴. سید جمال ترابی طباطبائی و منصوره وثیق، (۱۳۷۳)، سکه‌های ایران یا فرهنگ مصور سکه‌شناسی، تبریز: مهد آزادی، ص. ۲؛ سکه‌های تبرستان، گاوبارگان و حکام خلفاء، ص. ۱۷۱.

۵. درهم اسلامی (جزء اول درهم‌های عرب‌ساسانی)، ص. ۱۲۶.

زرتشتی و تدوام زندگی برای حاکمیت نیکی بر هستی دنیوی را تبلیغ می‌کنند.^۱ با دوایری نقوش متن از حاشیه جدا شده و در چهار جهت جغرافیایی هلال ماه و ستاره نقش شده است. بر حاشیه سکه‌های سال‌های ۷۰ تا ۷۹ فرخان و سال ۷۹ دات برز مهر واژه‌های **سپه** (AFD) و **۱۱۱۱** (NVK)^۲ آمده و بر سکه‌های سال ۸۰ تا ۸۹ دات برز مهر و سکه‌های سال ۸۹ تا ۱۱۵ خورشید، تنها واژه **سپه** (AFD) نقش شده که پیش از این بر سکه‌های خسرو دوم به سال یازدهم آمده بود،^۳ ولی واژه **۱۱۱۱** مسبوق به سابقه نیست. کلمات **سپه** عالی و **۱۱۱۱** خوب^۴ و معجزه آسا از نظر وزن^۵ و ضرب جدید یا تاریخ جدید^۶ و بسیار نیک^۷ معنا شده است. شاید کلمه **۱۱۱۱** نشان اسپهبدی بوده و به جهت تضاد با سکه‌های تراز اسلامی منتشر شده و کلمه **سپه** نشانی برای موفقیت نظامی پادشاه بوده که به سال ۷۳ پی. توسط فرخان و سال یازدهم خسرو دوم به پاسداشت پیروزی درج شده است.^۸ این تعابیر با مضامین دعای خیر و فزونی و تحکیم پادشاهی همراه اند و نشانه‌هایی از بازنمایی عیار و کیفیت سکه و اقتدار شاهان هستند. خط پهلوی نزد زرتشتیان مقدس بوده و کتب و ادعیه مذهبی با آن نگاشته می‌شده که حکایت از تکریم مقدسات است.

۱. بهرام بایرام‌پور، (۱۳۹۴)، «بررسی آئین‌های سوک در ایران باستان و نموده‌های آن در سوگواری‌های کنونی»، تاریخ و فرهنگ ایران باستان، س. ۱، ش. ۱، بهار و تابستان، ص. ۷۴.
2. A. Guillou, (1953), *Bibliothegue National les Monnayagespehleri, Arabes (gatalouge)*, du Cabinet des Medailles de France, Paris, p. 42.
3. *Coins of Tabaristan and Some Sasanian Coins from Susa*, p. 10.
4. *Catalogue of the Muhammadan Coins in the British Museum a Gatalogue of the Arab-Sassanian Coin (Umayyad Gornors in the East Arab-Ephthallites, Abbasid Gornors in Tabaristan and Bukhara)*, p. 131.
5. *Coins of Tabaristan and Some Sasanian Coins from Susa*, p. 10.
۶. سکه‌های تبرستان، گاو بارگان و حکام خلفاء، ص. ۱۲.
۷. ع. شمس اشراق، (۱۳۶۹)، *نخستین سکه‌های امپراطوری اسلام*، اصفهان: دفتر خدمات فرهنگی استاک، ص. ۱۲۰.
8. *The Dabuyid is Spahbad and Early Abbasid Governors of Taberistan - History and Numismatics*, p. 44.

| بررسی اوضاع اجتماعی و فرهنگی اسپهبدان دابویی و ولات عباسی؛ با تکیه بر سکه‌ها | ۱۴۳



تصویر ۲. طرح و تصویر سکه دات برزمهر، موزه بانک سپه، ۱۱۲۵۵



تصویر ۳. طرح و تصویر سکه خورشید، موزه بابل، ۶۴۲

نگاره آتشدان با شعله‌های مشتعل و دو نگهبان از سکه‌های اواخر دوره ساسانی اقتباس شده، و نگهبانان اطراف آتشدان را هیربدان^۱ و روحانی^۲ و سلاح در دستان آنها را برسم^۳ خوانده‌اند. نقش آتشدان از نمادهای زرتشتی و نشان‌دهنده پیوند با آئین زرتشت است.^۴ نور و روشنایی از اصول مزدیسنا و زرتشت بوده و موبدان و نگهبانان آتش مقدس اجازه نمی‌دادند آتش مقدس خاموش شود تا مظهري از نور ایزدی بر دل مؤمنان بتابد.^۵ در آئین زرتشت، آتر (Ater) نمادی از اهورامزدا^۶ و نشانه حضور مرئی اورمزد^۷ و پسر خدای برجسته روشنایی است.^۸ در سمت راست نقوش، واژه تکراری تیورستان^۹ به عنوان محل ضرب، و در سمت چپ سال ضرب بر مبنای پس از مرگ یزدگرد آمده است. رقم به تقلید از عددنویسی ساسانیان از راست به چپ و به ترتیب یکان، دهگان و صدگان است. تمام نقوش و نوشته‌ها با سه دایره از حاشیه جدا و در کناره نقش ترکیبی هلال ماه و ستاره در چهار جهت جغرافیایی ترسیم شده و میان آنها سه نقطه به شکل مثلث طراحی شده که می‌توان آن را نشانی از پیام پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک در آئین زرتشت^{۱۰} تصور

۱. سکه‌های تبرستان، گاوبارگان و حکام خلفاء، ص. ۷۲؛ سکه‌های اسلامی ایران یا فرهنگ مصور سکه‌شناسی، ص. ۳.
۲. سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه، ص. ۱۲۸.
۳. همان، ص. ۱۲۸.
۴. مهدی مؤمنی نورآبادی، (۱۳۹۴)، «یک مطالعه موردی درباره مفاهیم اجتماعی و سیاسی و مذهبی در سکه‌ها؛ سکه‌های سلاطین تابلوی هویتی ایرانیان»، روزنامه ایران، دوشنبه ۲۶ دی ۱۳۹۴، ص. ۸.
۵. بررسی طرح تاج شاهان در سکه‌های ایران از دوره هخامنشی تا ساسانی، ص. ۲۹.
۶. مهتاب مبینی و فرزام ابراهیم‌زاده، (۱۳۸۸)، «بزه‌های در نشانه‌های سیاسی و مذهبی سکه‌های ساسانی»، فصلنامه تاریخ، س. ۴، ش. ۱۲، ص. ۱۵۵.
۷. ژاله آموزگار و احمد تفضلی، (۱۳۷۶)، تاریخ اساطیری ایران، تهران: سمت، ص. ۲۸.
۸. جیمز هال، (۱۳۹۲)، فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر، ص. ۱۹۸.

۹. سکه‌شناسی

۱۰. ژان شوالیه و آ. ان. گرابر، (۱۳۸۲)، فرهنگ نمادها، ج. ۳، ترجمه و تحقیق سودابه فضائلی، تهران: جیحون، ص. ۶۶۵.

| بررسی اوضاع اجتماعی و فرهنگی اسپهبدان دابویی و ولات عباسی؛ با تکیه بر سکه‌ها | ۱۴۵

کرد. عدد سه از اعداد مقدس در بسیاری از نگاره‌ها چون گوشواره و گردنبند تکرار شده است.

مسکوکات سه پادشاه دابویی سرشار از نشانه‌ها و متون با محتوای مذهب زرتشت است. در دوره‌ای که بیشتر ایران به تصرف مسلمانان درآمده و دین و آئین نوینی تبلیغ می‌شد، در این سرزمین مردم و حاکمیت در پی حفظ سنت‌ها و اعتقادات پیشین بودند، و سند این مدعا مسکوکات به‌جامانده است که همچنان به سبک ساسانی با خط مقدس پهلوی و نشانه‌های مذهبی گذشته ضرب می‌شدند.

۴. سکه‌های ولات عباسی

منصور عباسی (حک. ۱۳۶-۱۵۸ ق.) پس از فتح تبرستان به سال ۱۴۴ هجری، ولاتی را برای نیابت حکومت به تبرستان گسیل داشت. تفاوت شاخص سکه‌های ولات عباسی نسبت به اسپهبدان دابویی استفاده از خط کوفی است، که غالباً شامل اسامی امرا است. در میان سکه‌های ولات عباسی، نام خالد و مجموعه‌ای از مسکوکات عمر بن العلاء به سال‌های ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶ و ۱۲۷ پس از یزدگردی تنها به خط پهلوی است.^۱ تراز پیشین به خاطر تسهیل در رواج و پیروی از سنت رایج^۲ و عدم پذیرش سکه‌های دیگر و باورهای مذهبی حاکم بر جامعه و پیروی ساکنان از کیش زرتشت^۳ تداوم یافته است.

در منابع تاریخی و سکه‌شناسی از بیست‌وشش امیر عباسی یاد شده که مجموعاً ۳۶ یا ۳۷ سال بر این خطه حکومت کردند. در میان ولات عباسی، ابوالخصیب، ابوخریمه، ابوالعباس، تمیم بن سنان، یزید بن مزید، حسن بن قحطبه، سلیح بن ساعی، عثمان بن نهیک، سعید بن سلیمان، عبدالله بن عبدالعزیز و مثنی بن حجاج سکه ندارند، در حالی که مهران، جریر، معد، مقاتل، قُدید و ابراهیم با منابع سکه‌شناختی به صفحات تاریخ آمده‌اند. روح بن حاتم (حک. ۱۴۶-۱۴۸ ق.) چهارمین امیر عباسی، بعد از ابوالخصیب،

۱. همان، ص. ۲۱۵.


2. *Coins of Tabaristan and Some Sasanian Coins from Susa*, p. 7.

۳. سکه‌های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص. ۲۱۵.

ابوخزیمه و ابوالعباس، به نام خود سکه دارد. غالب سکه‌های وی با تراز ساسانی روبه‌روی چهره به خط کوفی المهدی محمد یا محمد آمده و پشت سر به خط کوفی بن امیرالمؤمنین یا به خط پهلوی (سکه کوفی - Xvrrarah&Afzute) نوشته شده است. بر حاشیه نیز واژه پهلوی (AFD) یا عبارت کوفی امیرالمؤمنین نگاشته شده است. بر پشت سکه در سمت راست نقش آتشدان و نگهبانان به خط کوفی «بالتبرستان» و به خط پهلوی (سکه کوفی) آمده، و در سمت چپ به خط کوفی عبارت «مما امر به روح بن حاتم» یا تاریخ ضرب، بر مبنای هجری قمری، سال‌های ۱۴۶ تا ۱۴۸ هجری (۷۶۸-۷۷۰ م.) به خط پهلوی نوشته شده است. از روح بن حاتم سکه تراز اسلامی با اشعار و آیات قرآن نیز ضرب شده است (تصویر ۴). استفاده گسترده از واژه‌ها و عبارات کوفی، به‌کارگیری نام خلیفه المهدی محمد و محمد و لقب امیرالمؤمنین، تغییر شیوه تاریخ‌گذاری از مبدأ پس از مرگ یزدگرد به تاریخ هجرت پیامبر اسلام (ص) و عبارات «مما امر به روح بن حاتم» به تقلید از مسکوکات امرای تابع خلفای عباسی، همگی نشانه‌هایی از نخستین تلاش‌ها برای تغییر سکه و تبلیغ و ترویج معارف و شعائر دین اسلام به جای معارف دین زرتشت و نمادهای آن است. ضرب سکه به تراز اسلامی با شعائر رایج دنیای اسلام حکایتی آشکار از تبلیغ و ترویج معارف اسلامی است. با این وصف، بیشتر سکه‌ها تلفیقی از نمادهای زرتشتی، چون هلال ماه و ستاره، بال‌های گشوده، آتشدان، نگهبانان آتش مقدس، عبارات نیایشی و مذهبی و خط پهلوی را با نشانه‌ها و معارف دین اسلام چون خط کوفی و تاریخ هجری بر خود دارند. شاید ضرب سکه‌ی ترکیبی برای سنجش شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه و آزمونی برای عکس‌العمل مردم نسبت به تغییرات ایجادشده بوده است، تلاشی که مثمر ثمر نبود و بعد از وی روند ضرب سکه به شیوه پیشین بازگشت و جانشین وی خالد بن برمک (حک. ۱۱۶-۱۲۰ پی.) سیاست آشتی‌جویانه را در سکه‌هایش با استفاده از خط پهلوی انعکاس داد و نام خود را به پهلوی Halit (سکه کوفی) آورده و شاخصه‌های تراز اسپهبدان دابویی را بدون تغییر حفظ کرده است (تصویر ۵). خالد با سیاست مسالمت‌آمیز سکه‌ها را به روال قبل برگرداند.

عمر بن العلاء (حک. ۱۲۰-۱۲۹ پی.) / (۷۷۲-۷۸۱ م.) به مدت ۱۰ سال و در سه دوره سکه به تراز اسپهبدی ضرب کرد. روبه‌روی چهره نام عمر به کوفی

| بررسی اوضاع اجتماعی و فرهنگی اسپهبدان دابویی و ولات عباسی؛ با تکیه بر سکه‌ها | ۱۴۷

(عمر) و پهلوی (س هـ ل) یا عمر بن العلاء (س هـ ل ر س ل س) آمده و پشت سر سر سکه‌ها (Xvrrarah&Afzute) به خط پهلوی نوشته شده است. بر حاشیه العلاء عمر س (۱۲۵ پس از یزدگردی) به کوفی یا واژه‌های ر س و و ا و ا و س ل ر (Aran) آمده که خوب‌صفتان^۱ معنا شده است. بر پشت برخی از سکه‌ها نقش گل زنبق  ترسیم شده که تا پیش از این بر سکه‌ای نقش نشده است (تصویر ۶). گل زنبق نمادی از اُمردگان به معنای جاودانگی و بی‌مرگی و نماد سرزندگی و نورستی و جوانی همیشگی در آئین زرتشت است.^۲ عمر قبل از غلبه عباسیان در تبرستان تبعید بوده^۳ و در زمان یورش ابوالخصیب با وی همراه شده و بر فلسی (سکه مسی) به تاریخ ۱۴۵ هجری در رویان نام وی آمده است.^۴ با این پیشینه، مسکوکات وی همگی تراز اسپهبدی دارد و تنها نام و گاه نسب خود را به خط کوفی آورده است.



۱. بانک سپه، ۱۵۸۴. ۲. Malek, 2004: 17, 54.3. ۳. Malek, 2004: 17, 54b.1.

تصویر ۴. سکه‌های روح بن حاتم

1. *Coins of Tabaristan and Some Sasanian Coins from Susa*, p. 10.

۲. «یک مطالعه موردی درباره مفاهیم اجتماعی و سیاسی و مذهبی در سکه‌ها؛ سکه‌های سلاطین تابلوی هویتی ایرانیان»، ص. ۸.

۳. اولیاء الله آملی (۱۳۱۳)، تاریخ رویان، تصحیح عباس خلیلی، تهران: اقبال، ص. ۴۵.

۴. سکه‌های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص. ۲۱۵.



تصویر ۵. طرح و سکه خالد بن برمک، بانک سپه، ۱۶۱۲



۱. موزه ملک، ۲۰۸۸ ۲. موزه پول بنیاد، ۳۴۹۶۹-م ۳. آستان قدس، ۷۶۰۲ ر ۲

تصویر ۶. سکه‌های عمر بن العلاء

سعید بن دعلج (حک. ۱۲۵-۱۲۷ بی. / ۷۷۷-۷۷۹ م.) و یحیی بن مخنق (حک. ۱۲۸-۱۳۰ بی. / ۷۸۰-۷۸۲ م.) و یحیی بن الحرشی (حک. ۱۳۱ بی. / ۷۸۳ م.) سکه‌های سبک اسپهبدی دارند (تصویر ۷). نام امیر (سعید، یحیی و الحرشی) یا نسب او (سعید بن دعلج) نگاشته شده و بر اولین و چهارمین قطعه حاشیه‌ی روی سکه‌ی یحیی موتیف گل زنبق نقش شده که پیش‌تر بر سکه‌های عمر به تاریخ ۱۲۵ بی. (۷۷۷ م.) دیده شده است.^۱ تقارن

1. *Coins of Tabaristan and Some Sasanian Coins from Susa*, P. 12.

| بررسی اوضاع اجتماعی و فرهنگی اسپهبدان دابویی و ولات عباسی؛ با تکیه بر سکه‌ها | ۱۴۹

زمانی حکمرانان شاید به این دلیل بوده که برخی از این امیران در ابتدا نماینده و تابع بوده‌اند، و نشان از اراده و میل خلفای عباسی در عزل امیران داشته، چنان که سکه‌های عمر، سعید بن دعلج و یحیی بن مخنک همزمان ضرب شده است.



۱. سعید، آستان قدس، ۱۳۶۰، ۲۷۶. ۲. یحیی Malek, 2004: 115, 89.8 ۳. حرشی Malek, 2004: 115, 91.3

تصویر ۷. سکه سعید بن دعلج و یحیی و حرشی

مهران (حک. ۱۳۵ پی. / ۷۸۷ م.)، جریر (حک. ۱۳۵-۱۳۷ پی. / ۷۸۷-۷۸۹ م.)، معد (حک. ۱۳۸ پی. / ۷۹۰ م.)، مقاتل (مقاتل) (حک. ۱۳۶-۱۳۷ پی. / ۷۸۸-۷۸۹ م.) و قدید (حک. ۱۴۰ پی. / ۷۹۲ م.) امیرانی هستند که از طریق سکه به سبک اسپهبدی (تصویر ۸) شناخته شده‌اند و در منابع تاریخی نامی از آنها نبوده است.



۲. جریر، موزه بانک سپه، ۱۱۳۸۵

۱. مهران، موزه سمنان، Eb10



۳. معد، بانک سپه، ۱۰۶۷۷. ۴. مقاتل، آستان قدس، س ۴۲۲۹. ۵. قُدید، Malek, 2004: 124, 137.2.

تصویر ۸. سکه‌های مهران، جریر، معد، مقاتل و قدید

| بررسی اوضاع اجتماعی و فرهنگی اسپهبدان دابویی و ولات عباسی؛ با تکیه بر سکه‌ها | ۱۵۱

در میان سکه‌های ولات عباسی سکه‌های سلیمان (حک. ۱۳۶-۱۳۸ پی. ۷۸۸-۷۹۰ م.) شکل متمایزی دارد و به جای چهره پادشاه، لوزی با سورشارژ بیخ **خ** به کوفی آمده است (تصویر ۹). این شکل سکه شاید تغییری بوده که سلیمان ضروری می‌دانسته تا بدین وسیله وجدان دینی خود را به عنوان یک مسلمان راضی نگه دارد،^۱ تغییری که احتمالاً به دلیل تمایل به مبارزه با بت‌پرستی بوده و بر اساس آن به‌کارگیری عکس را منع کرده است.^۲ سکه سلیمان گرچه چهره پادشاه را مخدوش کرده، ولی نمادهای مرتبط با زرتشت چون بال‌های گشوده، هلال ماه و ستاره، خط پهلوی و کتیبه‌های مذهبی، گردنبند و گوشواره، آتشدان و نگهبانان برسم به دست و سه نقطه نمادین را بر خود دارد.



تصویر ۹. طرح و سکه سلیمان (موزه پول بنیاد، ۴۳۲۱۱-م)

ولات مقارن یا بعد از سلیمان، هانی بن هانی (۱۳۷-۱۳۹ پی. ۷۸۹-۷۹۱ م.) و عبدالله بن عریف (۱۳۹-۱۴۱ پی. ۷۹۱-۷۹۳ م.) و ابراهیم (۱۴۰-۱۴۱ پی. ۷۹۲-۷۹۳ م.) به شیوه اسپهبدی سکه زده‌اند (تصویر ۱۰) و از تغییرات سلیمان پیروی نکرده‌اند. نام امیر هانی با حرف ع (**هانی**) و نام عبدالله به صورت **عبدالله** و یا عبدالله بن عریف و ابراهیم بدون الف میانی (**ابراهیم**) به خط کوفی آمده است. عدم پیروی از شیوه سلیمان توسط امیران عباسی نشان‌دهنده تأثیرات عمیق باورهای زرتشتی بر جامعه تبرستان است و به احتمال زیاد با عدم اقبال مردم مواجه شده و امرای بعدی مجبور به بازگشت به شیوه پیشین شده‌اند.

1. *Coins of Tabaristan and Some Sasanian Coins from Susa*, P. 12.

2. *Catalogue of the Muhammadan Coins in the British Museum a Catalogue of the Arab-Sassanian Coin (Umayyad Governors in the East Arab-Ephthalites, Abbasid Governors in Tabaristan and Bukhara)*, p. xxxviii.



۱. هانی، آستان قدس، س ۸۱۵۰ ۲. عبدالله، بانک سپه، ۱۱۳۹۹ ۳. ابراهیم، موزه پول بنیاد، ۹۸۴۹-م

تصویر ۱۰. سکه‌های هانی، عبدالله و ابراهیم

در میان سکه‌های ولات عباسی تبرستان مجموعه‌ای از سکه‌های بدون نام وجود دارد که طی ۱۵ سال، از ۱۲۹ تا ۱۴۳ پی. یا ۷۸۱ تا ۷۹۵ م. ضرب شده‌اند. بر سمت راست چهره پادشاه به جای نام امیر به خط کوفی واژه افزوت (Afzute) به حروف پهلوی نوشته شده و سمت چپ کلمه **𐭮𐭲𐭩** (Xvrrarah) آمده است (تصویر ۱۱). آنوالا معتقد است این سکه‌ها مربوط به زرتشتیانی است که تحت فرماندهی ونداد هرمز در سال ۱۲۹ پی. دست به شورش زدند.^۱ در حالی که واژه «بخ بخ» و حرف /ع/ و عدم ذکر نام ونداد و ذکر نام امرای عباسی چون معد و جریر بر حاشیه برخی از آنها فرضیه آنوالا را نفی می‌کند. ضرب این سکه‌ها معمایی در تاریخ سکه‌زنی تبرستان است و چرایی و چگونگی آن آشکار نیست.

1. *Coins of Tabaristan and Some Sasanian Coins from Susa*, p. 12.
 2. *Catalogue of the Muhammadan Coins in the British Museum a Catalogue of the Arab-Sassanian Coin (Umayyad Governors in the East Arab-Ephthallites, Abbasid Governors in Tabaristan and Bukhara)*, pp. 10-13.



۱. سکه بی‌نام، آستان قدس، س ۴۴۲۹
۲. سکه بی‌نام، موزه پول بنیاد، ۴۹۳۴۷-م

تصویر ۱۱. سکه‌های بی‌نام با واژه افزوت

نتیجه‌گیری

سکه‌های اسپهبدی دو سده نخستین هجری در تبرستان علاوه بر نقش اصلی خود، که تسهیل دادوستد بوده، بازتاب و انعکاسی از اوضاع مذهبی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بودند. کوه‌های بلند البرز، جنگل‌های انبوه و صعب‌العبور و جغرافیای بسته این ناحیه را از بقیه ایران جدا می‌ساخت و با سقوط ساسانیان سنت‌ها و باورهای پیشین در این سرزمین پایدار ماند. اسپهبدان دابویی بازماندگان خاندان‌های بلندپایه ساسانی در اوایل دوره اسلامی در این ناحیه به سختی در برابر هجوم عرب‌ها مقاومت کردند و سلسله‌ای مستقل به نام مؤسس آن بنیان نهادند. از پادشاهان اسپهبدی تبرستان، فرخان و دات برزمهر و خورشید سکه زدند که مضامین کتیبه و نشانه‌های نگارین بر آنها ارزشمندترین سند شناخت شرایط اجتماعی و فرهنگی آن دوره است. در جایی که منابع تاریخی بسیاری از مسائل اجتماعی و فرهنگی را نادیده گرفته‌اند، سکه به عنوان تنها مدرک ملموس به‌جامانده این خلأ را پر می‌کند. بر روی سکه‌ها نیمرخ راست پادشاهان با ریش بلند به سبک سال‌های پایانی خسرو دوم ساسانی با تاج و بال‌های گشوده نقش شده است، که مظهر ایزد بهرام (ورثرغنه) و نشانه‌ی نیرومندی و پیروزی و حفاظت از انسان و نیک‌بختی

است. هلال ماه و ستاره میان بال‌ها و قسمت‌های مختلف سکه‌ها مظاهری از باورهای مذهبی و نشانه سپاس و حق‌گزاری برای نعماتی چون آسمان روشن و زمین پر از خیر و گیاه سبز است که اورمزد آنها را برای ادامه حیات بشر بخشیده است. هلال ماه مظهر آناهیتا، ایزدانوی محبوب زرتشتیان، نمادی از باروری و زیبایی با موقعیت قمری تجدید حیات پس از مرگ و هستی نوین است. ستاره نمادی از تیشتر ایزد کهن و آورنده باران و نیروی نیکوکاری در نبرد کیهانی با آپوش دیو خشکسالی است. استفاده از گوشواره و گردنبند نشانی از پیروی از سنت ساسانیان و کیش زرتشتی است. خط پهلوی، که نزد زرتشتیان مقدس و از اعتبار و جایگاه ارزشمندی برخوردار بوده، تعمداً و آگاهانه به نشانه تکریم و تقدیس به کار گرفته شده است. واژه‌های پهلوی با مضامین نیایشی و دعای خیر روایتی از تفکر مذهبی و اندیشه زرتشتی برای تداوم زندگی جهت حاکمیت قطعی نیکی بر شر است. آتش و هیریدان و برسم نشانه‌های پیوند با آئین زرتشت هستند. نور و روشنایی از اصول مزدیسنا و زرتشت بوده و موبدان آتش مقدس اجازه نمی‌دادند خاموش شود تا نور ایزدی بر دل مؤمنان بتابد. همه نشانه‌های یادشده انعکاسی از شرایط فرهنگی و اجتماعی و گرایش‌های ملی و مذهبی و احیای سنت‌های پیشین است که بر سکه‌ها نمود یافته‌اند، سنتی که با تصرف تبرستان به دست خلفای عباسی از بین نرفت و تلاش برخی از ولات عباسی برای تغییر روند و حذف نمادهای مذهبی پیشین و جایگزینی نشانه‌های جدید دینی موفقیتی به همراه نداشت. روح بن حاتم، پیشگام تغییر در سکه، برخی از واژه‌ها و عبارات خط پهلوی ساسانی را حذف و واژه‌های جدید دینی با خط کوفی را جایگزین ساخت. حتی در مقاطعی از دوران حکمرانی خود به تراز اسلامی سکه ضرب کرد، سکه‌هایی که با خط کوفی، مزین به اشعار مذهبی و آیات قرآن با مضامین یکتایی خداوند و رسالت حضرت محمد (ص) بودند. این روندی بود که شواهد و مدارک سکه‌شناسی ناکامی و عدم موفقیت آن را نشان می‌دهند، چنان که خالد بن برمک، جانشین بلافضل وی، سکه‌ها را به شکل اسپهبدی برگرداند و حتی نام خویش را به خط و زبان پهلوی ساسانی نوشت. عدم پیگیری تغییر سکه‌ها توسط ولات عباسی حکایت از فرهنگ و باورهای غالب پیشین به رغم شکست سیاسی و نظامی دارد. پس از خالد، ولات عباسی

| بررسی اوضاع اجتماعی و فرهنگی اسپهبدان دابویی و ولات عباسی؛ با تکیه بر سکه‌ها | ۱۵۵

تنها نام خود را به کوفی می‌آوردند و در سایر موارد سبک پیشین را حفظ می‌کردند. آخرین تلاش برای تغییر روند ضرب سکه توسط سلیمان صورت گرفت. او به جای چهره پادشاه، طرح لوزی با سورشارژ بخ به خط کوفی را نقش کرد، که شاید برای ارضای وجدان دینی خود و مبارزه با بت‌پرستی بوده است. البته این تغییر از سوی ولات بعدی پیگیری نشد و تا آخرین سکه‌ها تراز و سبک اسپهبدی حفظ شد. سخن آخر این که سکه‌های اسپهبدان دابویی و ولات عباسی بازتاب و انعکاسی از اوضاع اجتماعی و فرهنگی و پایندی پادشاهان و ولات و مردم به باورها و سنت‌های دینی حاکم بر جامعه در دو سده نخستین هجری است.

Archive of SID

منابع و مآخذ

- این اسفندیار کاتب، بهاء‌الدین محمد بن حسن، (۱۳۶۶)، *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: پدیده خاور.
- ابن حوقل، ابوالقاسم، (۱۳۴۵)، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن رسته، (۱۳۶۴)، *الاعلاق النفیسه*، ترجمه حسین قره چانلو، تهران: امیرکبیر.
- استخری، ابواسحق ابراهیم، (۱۳۶۸)، *مسالك و ممالک*، به اهتمام ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.
- اعظمی سنگسری، چراغعلی، (۱۳۵۲)، «سکه‌های تبرستان، گاوبارگانو حکام خلفاء»، *بررسی‌های تاریخی*، س. ۸، ش. ۱-۲، صص. ۱۵۵-۱۹۴.
- اعظمی سنگسری، چراغعلی، (۲۵۳۵)، «فرمانروایان طبرستان»، *بررسی‌های تاریخی*، ش. ۷۹.
- امام شوشتری، محمدعلی، ۱۳۳۹؛ *تاریخ مقیاس‌ها و تقود در حکومت اسلامی*، تهران: چاپخانه دانشسرای عالی.
- آملی، اولیاء الله، (۱۳۱۳)، *تاریخ رویان*، تصحیح عباس خلیلی، تهران: اقبال.
- آموزگار، زاله، (۱۳۷۶)، *تاریخ اساطیر ایران*، تهران: سمت.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، (۱۳۷۲)، *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه حمزه دادور، تهران: توس.
- بایرام‌پور، بهرام، (۱۳۹۴)، «بررسی آئین‌های سوک در ایران باستان و نمودهای آن در سوگواری‌های کنونی»، *تاریخ و فرهنگی ایران باستان*، س. ۱، ش. ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص. ۷۱-۹۸.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، (۱۳۶۷)، *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، تهران: نقره.
- پاکزادیان، حسن، (۱۳۸۷)، *تاریخ و گاهشماری در سکه‌های تبرستان*، تهران: ناشر مؤلف.
- ترابی طباطبائی، سید جمال، و منصوره وثیق، (۱۳۷۳)، *سکه‌های ایران یا فرهنگ مصور سکه‌شناسی*، تبریز: مهد آزادی.
- دادور، ابوالقاسم و لیلا مکوندی، (۱۳۹۱)، «بررسی طرح تاج شاهان در سکه‌های ایران از دوره هخامنشی تا ساسانی»، *هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی*، ش. ۵۰، صص ۲۳-۳۲.
- دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ، (۱۳۷۷)، *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: علمی و فرهنگی.

| بررسی اوضاع اجتماعی و فرهنگی اسپهبدان دابویی و ولات عباسی؛ با تکیه بر سکه‌ها | ۱۵۷

- دیانت، ابوالحسن، (۱۳۶۷)، فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، ج. ۲ (نقود و مسکوکات)، تبریز: نیما.
- رضائی باغبیدی، حسن، (۱۳۹۳)، سکه‌های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، تهران: سمت.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۳)، تاریخ مردم ایران از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه، تهران: امیرکبیر.
- ستوده، منوچهر، (۱۳۷۴)، از آستارا تا استرآباد، ج. ۳ (آثار و بناهای مازندران غربی)، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سرفراز، علی‌اکبر، و فریدون آوزمانی، (۱۳۷۹)، سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران: سمت.
- شمس اشراق، ع.، (۱۳۶۹)، نخستین سکه‌های امپراطوری اسلام، اصفهان: دفتر خدمات فرهنگی استاک.
- شوالیه، ژان، و آ. ان. گرابر، (۱۳۸۲)، فرهنگ نمادها، ج. ۳، ترجمه و تحقیق سودابه فضائلی، تهران: جیحون.
- طبری، محمد جریر، (۱۳۶۳)، تاریخ الرسل و الملوک، ج. ۳، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- عقیقی، رحیم، (۱۳۷۴)، اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی، تهران: توس.
- عقیلی، عبدالله، (۱۳۷۷)، دار الضریح‌های ایران در دوره اسلامی، تهران: بنیاد محمود افشار.
- کامرون، جورج، (۱۳۷۴)، ایران در سینه‌دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، تهران: علمی و فرهنگی.
- گمنام، (۱۳۷۶)، حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری.
- گیلانی، ملا شیخعلی، (۱۳۵۲)، تاریخ مازندران، تصحیح و تحشیه دکتر منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مادلونگ، و.، (۱۳۸۱)، سلسله‌های کوچک شمال ایران، ولایات ساحلی دریای خزر، تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانی تا آمدن سلجوقیان، پژوهش دانشگاه کمبریج، ج. ۴، گردآورنده ر. ن. فرای، مترجم حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- مبینی، مهتاب، و فرزام ابراهیم‌زاده، (۱۳۸۸)، «پژوهشی در نشانه‌های سیاسی و مذهبی سکه‌های

- ساسانی، «فصلنامه تاریخ، س. ۴، ش. ۱۲، صص. ۱۴۱-۱۶۲.
- مجموعه سکه‌های آستان قدس، به شماره‌های ۲۷۶۰۲ و ۱۷۶۰۲ سعید و س ۴۲۲۹
مقاتل و س ۸۱۵۰ هانی و س ۴۴۲۹ هانی.
- مجموعه سکه‌های موزه بابل، به شماره ۶۴۲ خورشید.
- مجموعه سکه‌های موزه بانک سپه، به شماره‌های ۱۱۲۵۴ فرخان و ۱۱۲۵۵ دات برزمهر و
۱۵۸۴۵ روح بن حاتم و ۱۶۱۲ خالد و ۱۱۳۸۵ جریر.
- مجموعه سکه‌های موزه پول بنیاد مستضعفان، به شماره‌های ۳۴۹۶۹-م عمر و ۴۹۳۴۷-م بی‌نام.
- مجموعه سکه‌های موزه سمنان، به شماره‌های Eb2 فرخان و Eb10 مهران.
- مجموعه سکه‌های موزه ملک، به شماره ۲۰۸۸ عمر.
- مرعشی، میر ظهیرالدین بن نصیرالدین، (۱۳۴۵)، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، با مقدمه
محمدجواد مشکور، به کوشش محمدحسین تسبیحی، تهران: مؤسسه مطبوعات شرقی.
- مؤمنی نورآبادی، مهدی، (۱۳۹۴)، «یک مطالعه موردی درباره مفاهیم اجتماعی و سیاسی و
مذهبی در سکه‌ها؛ سکه‌های سلاطین تابلوی هویتی ایرانیان»، *روزنامه ایران*، دوشنبه ۲۶ دی
۱۳۹۴، ص. ۸.
- میرچا، الیاده، (۱۳۷۲)، *رساله در تاریخ ادیان*، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.
- مینوی، مجتبی، و محمداسماعیل رضوانی، (۱۳۵۴)، *نامه تنسر به گشنسب*، به تصحیح مجتبی
مینوی، تهران: دنیای کتاب.
- نقشبندی، ناصر سید محمود، (بی‌تا)، *درهم اسلامی (جزء اول درهم‌های عرب‌ساسانی)*، ترجمه
امیر شاهد، تهران: فیروز.
- نوروززاده چگینی، ناصر، (۱۳۶۶)، «مازندران در دوره ساسانی ۲»، *باستانشناسی و تاریخ*، س.
۱، ش. ۲، بهار و تابستان، صص. ۲۱-۲۹.
- هال، جیمز، (۱۳۹۲)، *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران:
فرهنگ معاصر.
- هینتس، والتر، (۱۳۶۸)، *اوزان و مقیاس‌ها در اسلام*، ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران: مؤسسه
مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- هینلز، جان، (۱۳۷۳)، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه؛
بابل: آویشن.

| بررسی اوضاع اجتماعی و فرهنگی اسپهبدان دابویی و ولات عباسی؛ با تکیه بر سکه‌ها | ۱۵۹

- Guillou, A., (1953), *Bibliothèque Nationale les Monnayagespehleri, Arabes (gatalouge)*, du Cabinet des Medailles de France, Paris.
- Malek, Hodge Mehdi, (2004), *The Dabuyid is Spahbad and Early Abbasid Governors of Tabaristan - History and Numismatics*, London: Royal Numismatic Society special publication, No. 39.
- Stickel, Johann Gustav, (1845), *Handbuch zur morgenländischen Münzkunde*, Leipzig: F. A. Brokhaus.
- Unvala, Jamshedji Maneckji, (1938), *Coins of Tabaristan and Some Sasanian Coins from Susa*, Paris: G. P. Maisonneure.
- Walker, John, (1941), *Catalogue of the Muhammadan Coins in the British Museum a Gatalogue of the Arab-Sassanian Coin (Umayyad Gornors in the East Arab-Ephthallites, Abbasid Gornors in Tabaristan and Bukhara)*, London: the British Museum printed by order of the trustees.

Archive of SID